درباره اصالت زيارت عاشوراء

حسن انصاری

درباره متن و سند زيارت موسوم به زيارت عاشوراء واصالت آن تاکنون بحثهايی در ميان عالمان شيعی مطرح بوده است. علاوه بر جايگاه معنوی اين متن زيارتی و تجربه های شخصی مؤمنان که در کتابها و در سنت شيعی معمولا نقل می شود، اين متن از نقطه نظر تاريخی اهميت فوق العاده ای دارد.

 من در اين يادداشت کاری به مباحث سندی اين متن زيارتی ندارم و در اين باره تاکنون تحقيقاتی شده و از همه بهتر می توان به مطالبی که فقيه و رجالی برجسته آية الله سيد موسی شبيری زنجانی درباره صحت سند اين زيارت بيان کرده است، مراجعه نمود. در سنت شيعی اين زيارت اصلا به نقل از امام باقر روايت شده است و من در اين يادداشت صرفا می خواهم نشان دهم که از لحاظ نقد درونی اين متن هم می توان صحت انتساب آن را به دوران پايان عصر امويان معاينه نشان داد. اين مطلب را خلاصه وار در چند نکته بيان می کنم:

نخست اينکه در متن اين زيارت هيچگونه مطالب غير متناسب با زمان انتشار آن ديده نمی شود. آنچه درباره امامان و خاندان اهل بيت در اين متن ارائه شده با عقايد موجود در دوران پايانی عصر امويان سازگار است و از مطالب متحولتر دورانهای بعدی در آن خبری نيست. نوع مطالبی که در اين متن ارائه شده کاملا با وضعيت شيعيان در عصر پايانی امويان و با عواطف و احساسات عمومی شيعيان در خصوص مصائب اهل بيت و نسبت به دشمنان آنان يعنی امويان سازگاری دارد و فضايی را ترسيم می کند که ما آن را در منابع اصيل تاريخی ديگر همين دوران می شناسيم.

نکته دوم اينکه فضای "ولايت" و "برائت"ی که در متن زيارتنامه ديده می شود، نيز با فضای عمومی نيمه اول سده دوم قمری سازگاری دارد و اين امر بر کسانی که تاريخ فرقه های مذهبی در اين دوران را مطالعه کرده اند، پوشيده نيست.

نکته سوم اينکه در تمام اين متن بر برائت جويی از امويان تأکيد شده، امری که به وضوح در جريانهای شيعی در دوران پايانی امويان گسترش يافته بود و در حقيقت تشيع طيفی وسيع از مخالفان با امويان را تشکيل می داد که در عين حال به اهل بيت پيامبر ابراز وفاداری می کردند. صرف نظر از برخی گرايشهای خاص شيعی در آن دوران، عموم شيعيان در حول محور تأکيد بر عدم پذيرش خلافت امويان اجماع داشتند. در بخش اصلی اين متن صرفا بر امويان تأکيد شده و از آنان اظهار برائت شده است. خود اين امر نشان از اصالت اين متن است؛ چرا که عموما در متنهای برساخته بعدی به دليل تأثير پذيری از فضا و ذهنيت عمومی، نوع اظهار برائتها به گونه ای است که چنين تأکيدی را بر امويان که به هر حال زمان آنان سپری شده از دست می دهد و تعابير عامتری را شامل می شود که قابل تفسير به عصر عباسيان نيز می شده است و يا عقايد متحولتر شيعيان را درباره دايره برائت جويی ها در بر می داشته است.

نکته ديگر اينکه در اين متن نام شماری از دشمنان اهل بيت می رود که کاملا نشانگر آن است که اين متن در دورانی ارائه شده که اين نام ها هنوز برای مخاطبان شناخته بوده اند؛ تأکيد بر آل زياد و يا شمر و عمر سعد در متنی که در دوران پايانی امويان ارائه شده، کاملا طبيعی است و نشانگر احساس عمومی شيعيان درباره ظلم و جفايی است که از سوی امويان و تک تک ايادی و عوامل آنان در حق اهل بيت اعمال شده است؛ اما اگر اين متن متنی بود ساخته شده در دورانی متأخرتر طبعا تحت تأثير شرايط زمانی قرار می گرفت و از آن جمله اينکه تا اين اندازه نام اشخاص و همچنين خاندانهای مختلف اموی و يا موالی امويان در آن مطرح نبود. اينکه در اين متن از لعن و نفرين بر آل اميه و خاندان و عوامل سفاک آنان تا "ابد الآباد" سخن رفته است، نشان خوبی است بر اينکه اين متن در زمانی ارائه شده که اين خاندانها بر سر قدرت بوده و متنعم از دستگاه جور امويان بوده اند و "اشياع و اتباع و اوليای" آنان و به تعبير ديگر زيارتنامه، "امت" آنان در کار جفا بر اهل بيت بوده اند (تقابل "امت" با "اهل بيت"). فضای عمومی اين دعا بر عليه امويان فضای متنی نيست که در زمانی انشاء شده که امويان ديگر از ميان رفته بودند و منطقا ديگر زمينه ای عينی برای ابراز احساسات ضد اموی وجود نداشته است. در اين متن از "سلم" و "حرب" در نسبت با اهل بيت و دشمنان آنان سخن می رود و بعد بلافاصله با ابراز لعن نسبت به آل زياد و آل مروان و بنی اميه و عوامل و کارگزاران آنان به طور شخصی مقصود از دشمنان را تبيين می کند. آنگاه که در اين متن از آل مروان و بنی اميه سخن می رود روشن است که اين سخن در فضايی بيان شده که در آن اين خاندان همچنان در قدرت هستند و با اين متن هدف اين بوده است که نشان داده شود که قاتلان حسين بن علي و اصحابش گرچه خود در زمان حاضر نيستند، اما همچنان خاندان آنان هستند و حتی اگر هم خود را از آن عمل که در زمان يزيد خليفه اموی صورت گرفت، برکنار می دانند، اما باز بر همان راه می روند و بايد امروز با بازماندگان آنان مخالفت و دشمنی کرد. اين امر کاملا فضای يکی دو دهه پيش از انقلاب عباسی و وضعيت گروههای شيعی را در اوائل سده دوم در کوفه نشان می دهد. در فقره ای از اين زيارتنامه بر ظلمی که از سوی دشمنان بر "اشياع" اهل بيت می رود سخن می رود که باز دقيقا نشانگر فضای سخت اموی ضد علوی و شيعی اواخر دوران امويان است. در حقيقت در اين متن که متنی تبليغی و مبارزاتی است بر تهييج احساسات علوی و ضد اموی با تکرار عباراتی که کاملا جنبه عاطفی دارد و بسيار تأثير گذار است، تأکيد می رود. بنابراين اين متن کاملا جنبه انقلابی داشته و در چارچوب فضای اواخر دوران اموی و گرايشات انقلابی و احساسات علوی/ شيعی و ضد اموی قابل درک است.
نکته بعد در ارتباط با فضايی که در متن زيارت عاشوراء با آن روبرو می شويم، مسئله انتظار و اميد بردن برای قيام شخصی است از "اهل بيت محمد" برای طلب انتقام و مقابله با دشمنان اهل بيت؛ دشمنانی که اهل بيت را از "مراتب" ايشان باز داشته اند. عبارت متن در نخستين موردی که از اين مقوله در آن سخن می رود چنين است: " ...أن يرزقني طلب ثارک مع امام منصور من أهل بيت محمد...". تعبير "منصور" از تعابيری است که در فضای شيعی و مبارزه جويانه جريانهای شيعی دوران اواخر عصر اموی کاملا از طريق منابع مستقل تأييد شده است. به عقيده اينجانب تأکيد بر روی اين امر در متن زيارت را بايد کانون اصلی اين متن دانست که به مثابه مرامنامه نضهت شيعی ضد اموی در آن دوران عمل می کرده است. دومين موردی که در متن زيارتنامه از مقوله انتقام و همراهی با "امام" ی سخن می رود، آنجاست که اين تعبير آمده است: " وأن يرزقني طلب ثاري مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم". آنچه در اينجا از شرايط آن امام به ميان آمده آن چيزی است که شيعيان در دوران پايانی امويان در وجود امام حق می جسته اند. تعبير "ظاهر" محتملا اشاره ای است به پيش زمينه و عقيده ای که بر اساس حديث مشهور کميل از حضرت امير در ميان اوساط شيعی درباره دو نوع امام (قائم) "ظاهر مکشوف" و "خائف مغمور" وجود داشته و منشأ مباحث و انشقاقاتی در ميان شيعيان در دورانهای اوليه بوده است (در اين باره خلاصه بحث را می توان در کتاب استاد پروفسور حسين مدرسی در زمينه بحران ديد.)

بنابراين به عقيده نويسنده اين سطور متن زيارت عاشوراء فارغ از بحثهای سندی، متنی است که با بهره گيری از شيوه نقد تاريخی درون متنی و به کار گيری نشانه شناسی تاريخی هم می توان بر اصالت آن و انتساب آن به دوران پايانی امويان استدلال کرد. گرچه اين شيوه نمی تواند دقيقا نشان دهد که اين متن حقيقتا منتسب به امام باقر است و برای اين امر طبعا بحثهای سندی درون مذهبی همواره مورد استناد علمای شيعه بوده و هست. حتی اگر فرض کنيم که اين متن از امام هم نباشد، به نظر می رسد که از نقطه نظر صرف تاريخی هم می توان گفت که متن زيارت عاشوراء از متون تبليغی شيعی دوران پايانی حکومت امويان است که محتملا به صورت مرامنامه و متنی تبليغی و سری ميان شيعيان از ميان برخی طيفها دست به دست می شده و از دير باز به عنوان متنی شيعی قرائت می شده است. اين متن البته بعدا در ميان متون شيعه امامی حفظ شد اما روشن است که استناد اين متون متأخرتر بر اصول و متون کهنه تری است که به مدت بيش از دويست سال در ميان شيعيان تداول دلشته و در نهايت در کتابهای "مصنف" روايت و ثبت و تدوين شده است.
آنچه در اين يادداشت مد نظر بود بررسی اين امر بود که اولا در بررسی اسناد و متون چند سده نخستين تنها اتکا بر شيوه های سنتی بررسی صحت سند احاديث و متون کافی نيست و بلکه به ويژه برای تاريخنگار عقايد و باورها، بررسی و نقد درونی متن و مقايسه با ديگر متون تأييد شده بسيار ضروری و راهگشاست.